بازتاب

جوابیه وزارت راه و شهرسازی به گزارش «شرق»

● بدین‌وسیله پیرو انتشار مطلبی در روزنامه شرق با عنوان «ابطال دستور وزیر از سوی دیوان عدالت اداری درباره نظام‌مهندسی» به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۱ با کد خبر ۳۰۵۶۵۶، طبق ماده ۲۳ قانون مطبوعات توضیحات زیر برای انتشار ارسال می‌شود.

خواهشمند است طبق قانون ذکرشده دستور فرمایید مطالب ارائه‌شده به‌منظور تنویر افکار عمومی منتشر شود.

روزنامه شرق محتوایی را با عنوان «ابطال دستور وزیر از سوی دیوان عدالت اداری درباره نظام‌مهندسی» منتشر کرده است که اساسا این عنوان کذب و خلاف واقع بوده و دیوان عدالت اداری بررسی مصوبه‌ای مربوط به ۲۵ سال پیش را در دستور کار داشته است که بر اساس روندهای حقوقی، بخش‌نامه‌های وزیر راه‌وشهرسازی در گذشته صادر و درحال‌حاضر هم بر اساس ابلاغیه‌ها و اختیارات عمل خواهد شد.

موضوع دادنامه دیوان عدالت اداری، ابطال بند ج ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرائی قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان بوده و دادنامه صادره ارتباطی با دستور وزیر و راه‌وشهرسازی در استفاده از اختیار قانونی خود در این خصوص نداشته است و هیچ بخش‌نامه وزارتی نیز در این فرایند مورد خدشه واقع نشده است. به عبارت دیگر ابطال بند ج ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرائی قانون، نافی صحت اقدام وزیر راه‌وشهرسازی در استفاده از اختیارات قانونی ایشان نمی‌باشد. پس از برگزاری انتخابات، افرادی که پروانه مهندسی ایشان به‌واسطه تخلف از بخش‌نامه‌های وزارت راه‌وشهرسازی، تعلیق شده بود، دادخواستی مبنی بر ابطال بند ج ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرائی قانون نظام‌مهندسی به دیوان عدالت اداری ارائه نمودند و این دیوان موضوع را بررسی و طی دادنامه صادره، به مصوبه دولت پس از ۲۵ سال، به ابطال این بند رأی داده است که پس از ابلاغ، اقدامات قانونی مربوط معمول خواهد شد.

با توجه به ارتباط موضوع، همچنین طرح ادعاهای رئیس سازمان نظام‌مهندسی ساختمان در روزنامه شرق مبنی بر ردصلاحیت‌های فله‌ای، تعلیق پروانه به بهانه‌های واهی، ردصلاحیت بدون ذکر دلیل و به‌صورت تلفنی در شب انتخابات و غیره، کذب و غیرواقع بوده و عدم احراز صلاحیت و ردصلاحیت تعداد محدودی از داوطلبان عضویت در هیئت‌مدیره سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در استان‌ها، همگی بر اساس موازین قانونی و در حدود اختیارات و وظایف قانونی توسط مراجع رسمی ذی‌ربط ازجمله مراجع استعلام چهارگانه (اداره کل اطلاعات، اداره کل دادگستری، نیروی انتظامی و شورای انتظامی نظام‌مهندسی استان) و همچنین هیئت اجرائی انتخابات استان و با تأیید دستگاه نظارت بر انتخابات استان صورت گرفته است.

بر این اساس، عدم احراز صلاحیت برخی داوطلبین عضویت در هیئت‌مدیره سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، مستند به ضوابط و مستندات قانونی و مدارک متقن بوده است و افراد به دلیل عملکرد و شرایط خود، توسط مراجع رسمی امنیتی و قضائی کشور ردصلاحیت شده‌اند. این افراد به‌جای نشر اکاذیب و اتهامات واهی می‌توانند دلایل اصلی و واقعی این امر را که خود بر آن کاملا واقف‌اند، منتشر کنند تا مخاطبان قضاوت دقیق‌تری داشته باشند.

ادعای رئیس شورای مرکزی نظام‌مهندسی کشور از دسته همان موارد مشابه ادعاهای قبلی ایشان است که کذب بوده و از سوی مقامات مربوط تکذیب شده است. اگر منظور ایشان، ردصلاحیت خودشان است که بهتر از همه می‌دانند ردصلاحیت ایشان نه توسط وزارت راه‌وشهرسازی که توسط مراجع رسمی امنیتی و قضائی کشور به‌عنوان مراجع استعلام چهارگانه قانونی صورت گرفته است. در مورد ردصلاحیت دیگران هم مجددا تأکید می‌شود دلایل ردصلاحیت یا عدم احراز صلاحیت تک‌تک افراد به‌همراه مستندات به دستگاه قضائی ارائه شده است و طرح این‌گونه ادعاهای کذب، جز با هدف مظلوم‌نمایی و گریز از پاسخ‌گویی نیست.

ردصلاحیت‌شدگان این انتخابات، تعداد بسیار محدودی بودند که منطبق با مقررات و قوانین، صلاحیت ایشان تأیید نشده و این موضوع ارتباطی با جامعه ۵۵۰ هزارنفری مهندسان عضو سازمان‌های نظام‌مهندسی ندارد.

یادآوری می‌شود وزارت راه‌وشهرسازی با لحاظ تجربیات برگزاری هشت دوره انتخابات هیئت‌مدیره سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در استان‌ها طی ۲۵ سال اخیر، در این دوره سعی نمود با رعایت ضوابط قانونی، انتخاباتی پرشور و با مشارکت بیشتر اعضای سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در کشور برگزار نشود که استقبال بی‌سابقه ۴۰درصدی مهندسان عضو سازمان‌های نظام‌مهندسی و رشد مشارکت تا ۳۰۰ درصد در برخی استان‌ها از این انتخابات، مؤید پذیرش برنامه‌های وزارت راه‌وشهرسازی از سوی مهندسان عضو نظام‌مهندسی می‌باشد.

آیا نفت و گاز ایران، جنگ روسیه و غرب را پیچیده‌تر می‌کند؟

جنگ گاز

برخی تحلیلگران بحران انرژی دنیا را فرصتی برای احیای برجام می‌دانند

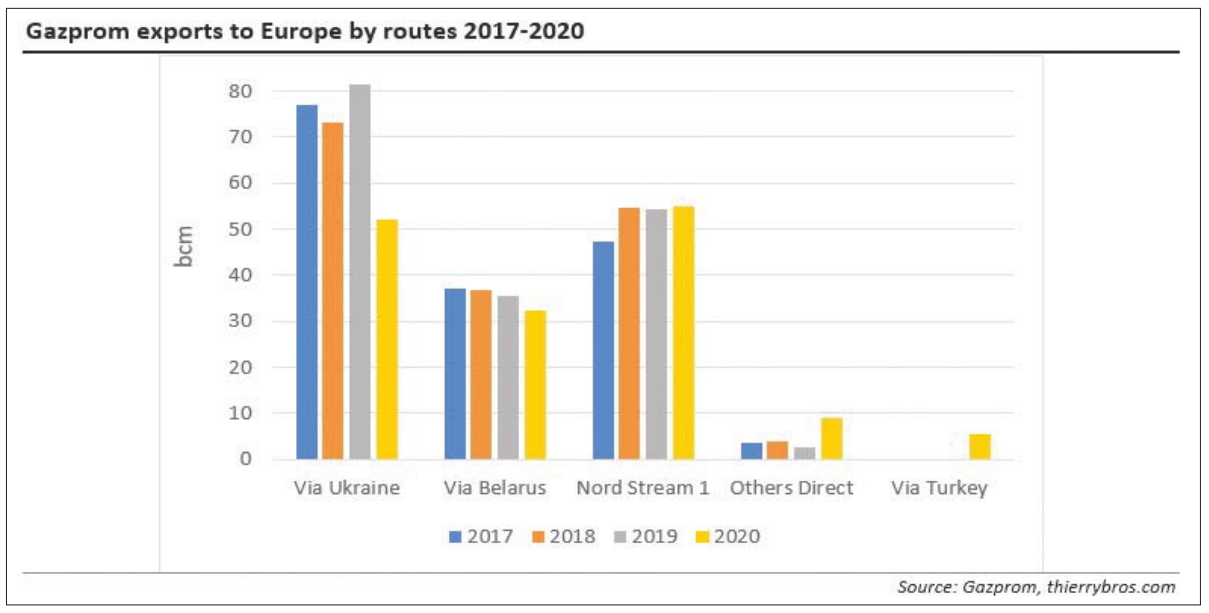

ابراهیم رضایی‌راد: ماجرای چندین هفته گمانه‌زنی تحلیلگران و جدل مقامات قدرت‌های دنیا با حمله روسیه به اوکراین، وارد مرحله تازه‌ای شد و بلافاصله به یک پیش‌بینی درحوزه انرژی نیز جامه عمل پوشاند؛ قیمت هر بشکه نفت که سالیان سال در آرزوی بازگشت به بالای صد دلار بود و از ۲۰۱۴ چنین عددی را به خود ندیده بود، بلافاصله از مرز صد دلار گذشت و حالا به ۱۳۰ دلار نیز نزدیک شده است. اما این پایان ماجرا نیست و حالا نگرانی‌ها درخصوص ادامه این روند و افزایش قیمت نفت به ۱۳۰ و ۱۵۰ دلار هم بر اساس تحلیل «اویل‌پرایس» وجود دارد که بحرانی غیرقابل‌تصور در سطح جهانی است. در صورتی که بحران اوکراین با آتش‌بس روبه‌رو نشود و ادامه پیدا کند، چالشی جدی در بازار انرژی به وجود می‌آید. روسیه علاوه بر صادرات نفت، ۴۰ درصد صادرات گاز طبیعی به اروپا را هم دارد که این رقم در برخی کشورها صد درصد و در برخی کشورها بسیار کم و نزدیک به صفر است؛ برای مثال کشور مولداوی صد درصد وابسته به گاز روسیه است، اما این رقم برای فرانسه ۲۴ درصد است. با شروع جنگ روسیه و اوکراین، کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان خواهان تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه روسیه شدند؛ تحریم‌هایی که طبیعتا منبع اصلی صادرات روسیه یعنی سوخت‌های فسیلی، خصوصا گاز طبیعی را هدف قرار می‌دهد. البته کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان درخصوص تحولات اوکراین ترجیح داده‌اند سیاست خنثی را اتخاذ کرده، یا طرفین را به خویشتن‌داری دعوت کنند یا تحریم‌های سوییفت را به صورت محدود مدنظر قرار بدهند که تحلیلگران و رسانه‌های معتبر دنیا ریشه این تصمیم‌گیری را انرژی و نیاز اروپا به گاز روسیه می‌دانند. حالا اگرچه اعلام شده کشورهای اروپایی تحریم‌های سوییفت را درخصوص بانک‌های روسیه اعمال می‌کنند، اما همچنان این تحریم‌ها سفت‌وسخت نیست و همه بانک‌ها و سیستم مال روسیه را دربر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، ریشه بسیاری از تصمیم‌ها و همچنین دلیل برخی رفتارهای نه‌چندان قاطع برخی کشورهای اروپایی، به قصه پر از کشش انرژی برمی‌گردد که حالا پای ایران نیز به آن باز شده است؛ چه در بین کارشناسان داخلی و چه در نشریه‌های معتبر و نوشته‌های تحلیلگران برجسته، مدام از نقش نفت و گاز ایران در ادامه این بحران سخن به میان می‌آید و کارشناسانی از آثار این پرونده بر جلسات فشرده مذاکرات برجام هم سخن می‌گویند. نقش و شیوه ورود ایران به بازار پرتنش انرژی دنیا، آن‌هم در این روزهای بحرانی، به‌شدت پیچیده و کلافی سردرگم است. از یک طرف پیش‌بینی می‌شود نیاز غرب و بازار انرژی دنیا به نفت آماده صادرات ایران، ممکن است زمینه‌ساز توافق سریع‌تر شود و از طرف دیگر یکی از تصمیم‌گیران مهم این مذاکرت همان روسیه‌ای است که می‌خواهد با کارت انرژی با اروپا بازی کند. در بازار انرژی دنیا دقیقا چه می‌گذرد و تحلیلگران چه پیش‌بینی‌هایی درباره نقش ایران دارند؟

اروپا به دنبال جایگزین گاز روسیه

کشورهای اروپایی از سال‌های قبل بر اساس امنیت انرژی تلاش کردند سیاست‌گذاری درخصوص انرژی را تعریف کرده و بر اساس آن عمل کنند. بر پایه امنیت انرژی، کشورهای اروپایی که کشورهایی مصرف‌کننده محسوب می‌شوند، به دنبال امنیت تقاضا و قیمت مناسب هستند. از سویی دیگر، این کشورها طبق یکی دیگر از ابعاد امنیت انرژی، در تلاش برای متنوع‌سازی مسیرهای انرژی خود هستند که این موضوع با موفقیت روبه‌رو نشده است. از همین جهت کشورهای اروپایی طرح و خطوط لوله‌های رقیب برای مسیر صادرات گاز طبیعی روسیه را دنبال و حمایت می‌کنند. خط لوله‌هایی مانند ترانس خزر، باکو-تفلیس-ارزروم، تاناپ، بلو استریم و تاپ در همین جهت است تا وابستگی کشورهای اروپایی به گاز روسیه را کاهش دهد. برخی از این خطوط مانند ترانس خزر در حد طرح باقی مانده‌اند یا با مشکل تأمین گاز مواجه هستند. روسیه هم برای تأمین امنیت تقاضا اخیرا با چین قراردادی درخصوص صادرات گاز به این کشور امضا کرده است که سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب به چین علاوه بر قراردادهای قبلی منتقل می‌کند که به نوعی امکان متنوع‌سازی مسیر صادرات برای روسیه را به دنبال دارد. اگرچه صحبت‌هایی درخصوص احتمال نقش‌آفرینی و جبران گاز روسیه در صورت قطع احتمالی توسط جمهوری آذربایجان وجود دارد، ولی جالب است بدانیم بر اساس آمار BP، میزان تولید سالانه جمهوری آذربایجان در زمینه گاز طبیعی ۲۵ میلیارد مترمکعب بوده که ۱۱.۹ میلیارد مترمکعب آن به مصرف داخل می‌رسد و حدود ۱۳ میلیارد مترمکعب ظرفیت صادرات وجود دارد که به‌هیچ‌وجه قابل قیاس با میزان گاز تولیدی روسیه نیست. کشور نروژ نیز اخیرا اعلام کرده است توان صادرات گاز به اروپا را به صورت مایع دارد که ذخیره‌سازی‌های لازم برای زمستان آینده و مشکلات احتمالی را برطرف کند. کشورهای دیگر نیز این‌گونه هستند و نمی‌توانیم این کشورها را جایگزین گاز روسیه برای اروپا بدانیم؛ چون نیاز به میزان تولید بالا، ظرفیت خالی و امکان صادرات احساس می‌شود و این موضوعات قابل حل در کوتاه‌مدت نبوده و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را می‌طلبد.

چشم‌ها خیره به ایران، دومین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی

شرایط نه‌چندان دلچسب کشورهای مختلف دارای پتانسیل جایگزینی گاز روسیه، حالا نگاه‌ها را به بزرگ‌ترین غایب بازار انرژی چند سال اخیر دنیا کشانده است؛ ایران. یکی از کشورهایی که اخیرا در بازار انرژی و خصوصا گاز، مدنظر کشورهای اروپایی قرار گرفته، ایران است. ایران با داشتن ذخایر عظیم گاز، ظرفیتی مناسب برای ایفای نقش در بازار جهانی انرژی دارد. ایران دومین کشور دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی دنیا بعد از روسیه است. تحریم‌های نفت و گاز در سال‌های اخیر موجب عدم توسعه میادین گازی و کاهش توان تولید ایران شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از میادین گازی ایران فقط کشف شده و توسعه و بهره‌برداری از آنها صورت نگرفته و با رشد میزان مصرف داخلی، مشکلاتی درخصوص میزان مصرف در فصل زمستان امسال ایجاد شده است. سیاست کلی ایران در زمینه توسعه میادین گاز طبیعی در سال‌های اخیر توجه به میدان پارس جنوبی بوده و کمتر سایر میادین گازی ایران مورد سرمایه‌گذاری و توسعه قرار گرفته است. برای درک بهتر تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه میادین و اثر تحریم‌ها، به مقایسه دو کشور اول دارای ذخایر گاز طبیعی دنیا یعنی ایران و روسیه می‌پردازیم. طبق آمار BP ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی روسیه ۳۷ و ایران ۳۲ تریلیون مترمکعب است که البته با توجه به کشف میدان گازی چالوس در دریای خزر، ذخایر ایران افزایش یافته است. میزان تولید گاز روسیه ۶۳۸ و ایران ۲۵۰ میلیارد مترمکعب در سال است. از طرفی دیگر میزان مصرف روسیه ۴۱۱ و ایران ۲۳۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ بوده است. به‌خوبی از این آمار میزان توان صادرات ایران در زمینه گاز طبیعی مشخص می‌شود که به‌نوعی برخلاف تحلیل‌ها توان ایران درخصوص نقش‌آفرینی در زمینه جایگزینی روسیه برای بازار کشورهای اروپایی اشتباه است. نکته مهم در این خصوص سیاست و دیپلماسی انرژی روسیه است که تلاش می‌کند نقش خود به‌عنوان اولین قدرت و صادرکننده گاز را حفظ کند. صادرات گاز ایران به اروپا نیازمند خطوط لوله یا LNG است.

سد راه گاز ایران به اروپا، ضعف تکنولوژی و دیپلماسی

درخصوص LNG زیرساخت‌های لازم در ایران و ظرفیت صادرات گاز طبیعی از این طریق وجود ندارد؛ زیرا علاوه بر زیرساخت در مبدأ یعنی ایران، در برخی کشورهای اروپایی شرایط و زیرساخت‌های لازم برای دریافت LNG وجود ندارد. همین ضعف ونبود LNG موجب شده که ایران نقشی در این نوع از صادرات گاز طبیعی در دنیا نداشته باشد. برای درک اهمیت LNG کشور چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در دنیا، بیشتر واردات گاز خود را از طریق LNG و از کشور قطر وارد می‌کند. در زمینه خطوط لوله برای انتقال گاز ایران به اروپا نیز خط لوله پارس به ترکیه بوده که ایران از این طریق گاز را به اروپا صادر کند که به نتیجه نرسیده است. طرح‌هایی مانند سوآپ گازی با ترکمنستان یا خط لوله سرخس-خانگیران یا خط لوله کردکوی وجود دارد که ظرفیت ۲۰ میلیارد مترمکعب سالانه را دارد که البته سال‌هاست با حداکثر توان مورد استفاده قرار نگرفته و ظرفیت این حجم از صادرات نیز از این طریق وجود ندارد و همچنین انتقال از طریق سوآپ طبق قرارداد میان ایران، ترکمنستان و روسیه سالانه حدود ۱.۵ میلیارد مترمکعب است که رقمی چشمگیر محسوب نمی‌شود. البته عدم توسعه همکاری‌های گازی با کشور ترکمنستان را می‌توانیم نتیجه تصمیمات سیاسی مدیران وقت بدانیم که موجب قطع این نوع همکاری در سال‌های گذشته شده است. در قسمت شرقی ایران و برای صادرات گاز به هندوستان نیز خط لوله صلح به سرانجام نرسید و امکان صادرات گاز به کشور هندوستان از طریق این خط لوله میسر نشد.

ناکامی خط لوله صلح؛ همیشه پای روسیه در میان است؟

درخصوص عدم موفقیت خط لوله صلح که از ایران آغاز شده و پس از عبور از پاکستان به هند می‌رسد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها نقش روسیه در این خصوص است. روسیه تمایلی ندارد تا جایگاه انرژی و گاز طبیعی خود در دنیا را در خطر ببیند و به‌نوعی ایران را وارد بازی بی‌سرانجامی کرد که تا حالا به نتیجه نرسیده است. یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت این خط لوله را می‌توان لابی‌های عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا عنوان کرد. پس از گفت‌وگوهای هسته‌ای هند با ایالات متحده آمریکا، این کشور به‌نوعی عدم تمایل برای حضور در این پروژه را علی‌رغم نیاز به منبع جدید گاز طبیعی با وجود رشد روزافزون تقاضا در این کشور اعلام کرد که لابی‌های ایالات متحده و اجرائی‌شدن سیاست عدم حضور ایران در پروژه‌های منطقه بوده است. پاکستان نیز به دلایل گوناگون که به نظر می‌رسد نقش لابی‌های سیاسی در این خصوص پررنگ بوده است، تمایلی برای تکمیل این پروژه با وجود حمایت مالی ایران نداشته است.

موضوع مهم دیگر مذاکرات هسته‌ای و نقش ایران برای کاهش بهای نفت جهانی در صورت توافق هسته‌ای و حضور بدون محدودیت ایران در بازار انرژی است.

بحران انرژی دنیا قفل مذاکرات برجام را باز می‌کند؟

مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ در روزهای اخیر با توجه به نوسانات اخیر بازار انرژی به موضوع مهمی بدل شده است. ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به‌خوبی از نقش و توان ایران در بازار انرژی آگاه هستند. بر همین اساس است که ایالات متحده با کاهش تحریم‌ها درخصوص فروش نفت به خریداران ایران، به‌طور ضمنی مجوز خرید نفت ایران را صادر کرده است. طبق آمارهای BP، فروش نفت ایران افزایش یافته و کشورهای متعددی مانند چین خریدهای نفت خود را از ایران افزایش داده‌اند. طبق آمار، میزان فروش روزانه نفت ایران به بالاتر از یک میلیون بشکه نفت رسیده است. در سال ۲۰۱۵ و پس از امضای برجام، میزان فروش نفت ایران به ۱.۸ و در سال ۲۰۱۷ به ۲.۲ میلیون بشکه در روز رسیده بود. این آمار حکایت از توان بالای ایران درخصوص صادرات نفت در صورت لغو تحریم‌ها دارد. ایالات متحده و چین تلاش کرده‌اند در اقدامی هماهنگ در آغاز سال نو چینی اقدام به عرضه نفت به بازار داشته باشند تا کاهش قیمت نفت را به دنبال داشته باشد که به موفقیت نرسید. افزایش قیمت انرژی، عامل محرکی برای مذاکرات هسته‌ای از طرف ایالات متحده آمریکاست تا عرضه نفت ایران حتی به صورت موقت بتواند حجم اعتراضات داخلی درخصوص بهای حامل‌های انرژی را کاهش دهد. اخیرا نیز اعلام شده است ایران توان عرضه ۸۵ میلیون بشکه نفت به بازار را دارد که عددی درخور توجه است و می‌تواند در کوتاه‌مدت از افزایش قیمت بهای نفت جلوگیری کند، حتی اگر بحران و جنگ اوکراین ادامه داشته باشد. از سویی دیگر، مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام می‌تواند موجب تأثیر قابل توجهی بر روی بخش گاز ایران شود.

دستیابی به برجام می‌تواند منجر به حضور سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه میادین گازی ایران شود. جواد اوجی، وزیر نفت در آبان ۱۴۰۰ درخصوص لزوم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف گاز و نفت گفته است بخش نفت و گاز نیازمند سرمایه‌گذاری ۱۶۰ میلیارد دلاری است؛ موضوعی که نیاز به سرمایه‌گذاری و حضور شرکت‌های خارجی و بخش خصوصی را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌هایی که به کاهش یا لغو تحریم‌ها سرعت می‌بخشد، موجب می‌شود شرکت و کشورهای علاقه‌مند بسیاری در حوزه نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند. میادین گازی که سال‌هاست از نبود سرمایه‌گذاری رنج می‌برد و همین موضوع موجب تفاوت میزان تولید میان ایران و روسیه درخصوص گاز طبیعی شده است.
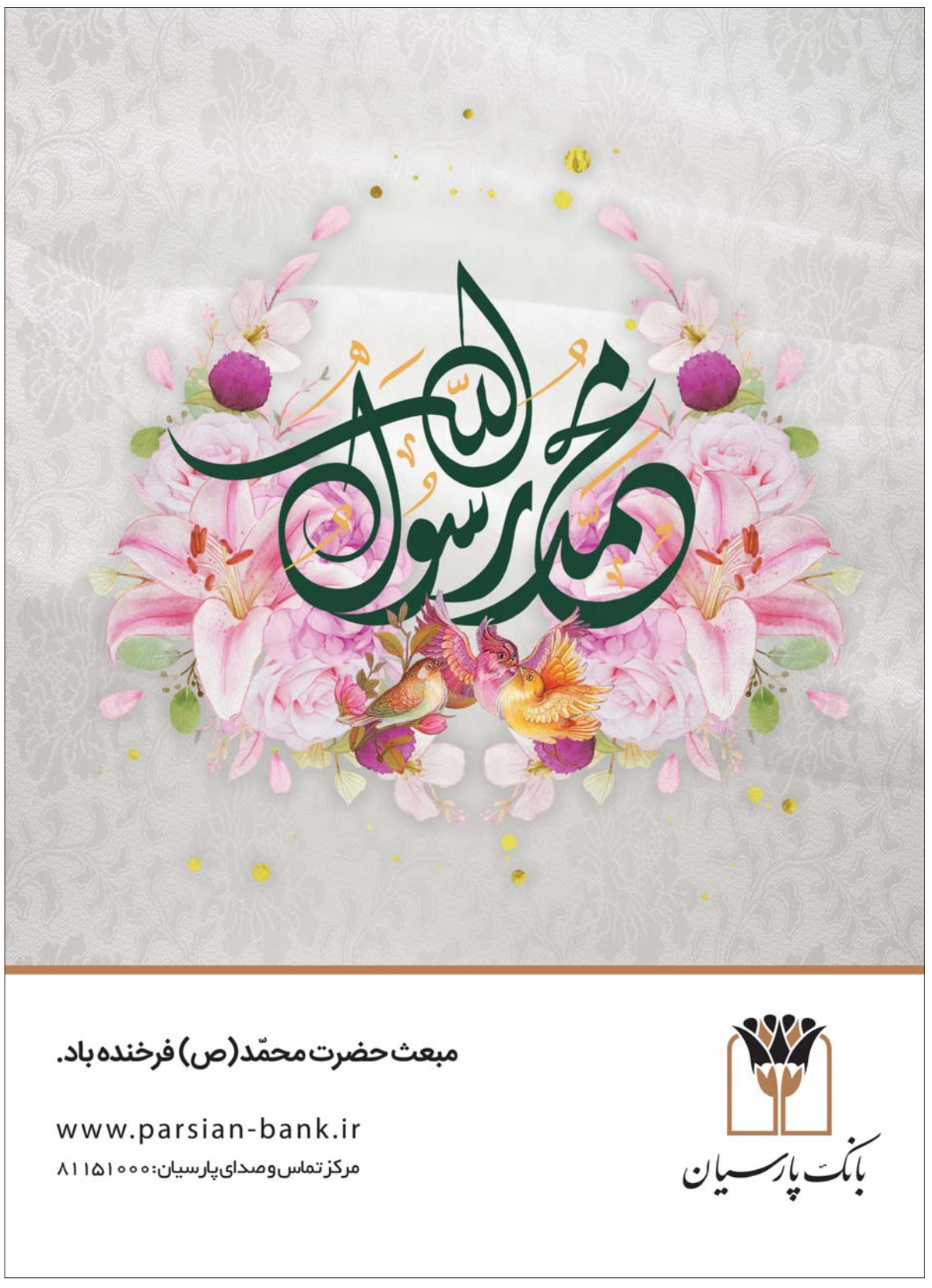
به‌طور کلی با وجود جنگ میان روسیه و اوکراین، کشورهای اروپایی و خصوصا ایالات متحده آمریکا به‌خوبی از اهمیت گاز روسیه برخوردار هستند و بعید به نظر می‌رسد به تحریم‌هایی علیه روسیه در این زمینه دست بزنند. از سویی دیگر، دور از ذهن به نظر می‌رسد که روسیه نیز با توجه به اهمیت درآمدی گاز و تأثیر آن بر اقتصاد این کشور، به قطع گاز اروپا فکر کند؛ چون در صورت قطع صادرات گاز، نیازمند بازار جایگزین است که بازاری این‌چنینی در حال حاضر برای گاز روسیه در وسعت اروپا وجود ندارد. ایران نیز در صورتی که در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توسعه میادین، ایجاد زیرساخت‌های لازم اعم از خطوط لوله یا فناوری LNG داشت، می‌توانست به‌خوبی در این بحران انرژی به نقش‌آفرینی بپردازد و موقعیت خود را تقویت کند. همچنین افزایش بهای نفت علاقه‌مندی به گاز طبیعی را افزایش داده است که جنگ اوکراین بهای گاز را نیز افزایش داده و کشورهای واردکننده انرژی را دچار بحرانی جدی کرده است. در انتها باید ذکر کرد کشورهایی مانند نروژ، قطر، جمهوری آذربایجان، ایران و کشورهای دیگر را می‌توان مسکنی موقتی درخصوص بحران گاز در اروپا دانست. چرخش و تغییر مسیرهای انرژی کشورهای اروپایی نیز در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و یک درگیری مانند جنگ روسیه و اوکراین در عرض چند روز می‌تواند قیمت گاز در اروپا را ۳۰ درصد افزایش دهد و به هزارو ۴۰۰ دلار برای هر مترمعکب برساند. دیمیتری مدودف نیز چند روز پیش در توییتی اشاره کرد که امکان رسیدن دو هزار دلار برای هر مترمکعب گاز طبیعی صادراتی برای اروپا نیز وجود دارد. باید ذکر شود که شواهد و قرائن چه از طرف روسیه و چه از طرف کشورهای اروپایی، دست‌کم و تا این مرحله از قطع‌نشدن واردات گاز روسیه حکایت دارد. دیروز البته «امانوئل مکرون» در اظهارنظری کوتاه اعلام کرد جنگی طولانی در راه است و شاید به همین دلیل هم روزهای حیرت‌آوری در انتظار بازار انرژی دنیا باشد.